

Legal Semantics of the conceptual scope of "Common Heritage of Mankind" in international documents and its implications for cultural rights

Ali Mashhadi¹ , Azar Givkey^{2*} 

1. Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law,
University of Qom, Qom, Iran. Email: Droitenviro@gmail.com

2. PhD in Public International Law, Qom Azad University, Qom. Iran.
(Corresponding Author). Email: azarg1359@gmail.com

Abstract

The common heritage of humanity has been proposed as a concept to protect human rights and high human values, and in human rights literature, it is discussed within the rights of solidarity or collective rights. This concept has been mentioned and defined in various international documents, including conventions and declarations; including documents related to the law of the seas, outer space, international environmental law, cultural diversity, the human genome, and the like. Despite the establishment of this principle in international documents, there are still ambiguities and deep disagreements about its content, limits, and practical application. This article attempts to explain the conceptual scope in question by examining international legal texts and documents that have included references to the concept of common heritage of humanity and examine the elements of common heritage of humanity in different areas of law. The basic question of this article is: to what extent has the concept of "common heritage of humanity" been proposed and developed in international legal texts and documents? The basic assumption of this article is based on the fact that in various texts and documents and areas of international law, the conceptual scope and understanding of the concept of common heritage of humanity are presented in almost the same way.

Keywords: Common Heritage of Humankind, Legal Semantics, Cultural Diversity, International Instruments, Cultural Rights.

معناشناسی حقوقی گستره مفهومی «میراث مشترک بشریت» در اسناد بین‌المللی و دلالت‌های حقوق فرهنگی آن

علی مشهدی^۱ ID، آذر گیوکی^۲ ID

۱. استاد، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

رایانامه: Droitenviro@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: azarg1359@gmail.com

چکیده

میراث مشترک بشریت، به‌عنوان مفهومی در جهت حمایت از حقوق بشر و ارزش‌های والای انسانی مطرح شده است و در ادبیات حقوق بشر، در درون حقوق همبستگی یا حقوق جمعی بحث می‌شود. این مفهوم در اسناد بین‌المللی مختلف، شامل کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌ها؛ از جمله، اسناد مربوط به حقوق دریاها، فضای ماورای جو، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تنوع فرهنگی، ژنوم انسانی و نظایر آن مورد اشاره و تعریف قرار گرفته است. علی‌رغم استقرار این اصل در اسناد بین‌المللی همچنان ابهامات و اختلافات عمیقی پیرامون مفهوم، محتوا، حدود و کاربست عملی آن وجود دارد. در این مقاله تلاش شده است تا با بررسی متون و اسناد حقوقی بین‌المللی که شامل اشاراتی به مفهوم میراث مشترک بشریت داشته‌اند، به تبیین قلمرو مفهومی مورد نظر پرداخته و عناصر میراث مشترک بشریت را در حوزه‌های مختلف حقوق بررسی نماید. پرسش اساسی این مقاله این است که مفهوم «میراث مشترک بشریت» در متون و اسناد حقوقی بین‌المللی با چه گستره مفهومی و مصداقی مطرح و توسعه یافته است؟ فرض اساسی این مقاله بر این مبنا استوار است که در متون و اسناد و حوزه‌های مختلف حقوق بین‌المللی قلمرو و برداشت مفهومی تقریباً یکسانی از مفهوم میراث مشترک بشریت ارائه شده است.

واژگان کلیدی: میراث مشترک بشریت، معناشناسی حقوقی، تنوع فرهنگی، اسناد بین‌المللی، حقوق فرهنگی

ارجاع به مقاله: مشهدی، علی، و گیوکی، آذر. (۱۴۰۵). معناشناسی حقوقی گستره مفهومی «میراث مشترک بشریت» در اسناد بین‌المللی و دلالت‌های حقوق فرهنگی آن. مطالعات فقه و حقوق فرهنگی، ۳(۱)، ۶۷-۴۲.

Doi: 10.22034/cjls.2026.2089844.1100

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۶

ناشر: دانشگاه حضرت معصومه (س)

© نگارندگان، حق تکثیر و امتیاز کامل انتشار مقاله خود را حفظ می‌کنند.



مقدمه

میراث مشترک بشریت^۱ که امروزه نه به‌عنوان مفهوم، اندیشه، دکترین، رژیم یا آرمان، بلکه به‌عنوان یکی از حقوق بشری، در کنار حق توسعه، حق صلح و حق محیط‌زیست، مطرح است حاصل دو رویداد مهم در جامعه بین‌المللی است؛ اولین رویداد، پیشرفت و توسعه فناوری و دومین رویداد، کمبود منابع است. از زمانی که دولت‌ها سعی کردند با از میان برداشتن موانع طبیعی به فضاهایی از جمله بستر دریاها و فضای ماورای جو و مدار ثابت زمین دست یابند - که میان همه دولت‌ها مشترک فرض شده بودند - توانستند قدرت نظامی و اقتصادی فراوانی به دست آورند، بر این فضاها و احوال مشترک سیطره یابند و آن‌ها را میان خود تقسیم کنند. در این میان برخی از دولت‌های قدرتمند با بهره‌گیری از فناوری و توسعه روزافزون آن، روزه‌روز قدرتمندتر شدند. در مقابل، دولت‌های فقیر از آنجاکه توان همگام شدن با پیشرفت‌های فناوریانه دولت‌های پیشرفته را نداشتند نمی‌توانستند از منابع مشترک موجود بهره‌مند شوند. (جمالی، ۱۳۹۰، ص ۷۵-۷۷)

کشورهای درحال توسعه، کراراً از این مفهوم استفاده کرده‌اند تا منافع سیاسی، بین‌المللی و حقوقی خود را ارتقاء دهند. ایالات متحده آمریکا و متحدانش موضع خود را از حمایت بی‌قید و شرط از میراث مشترک بشریت، به طرد کلی آن تغییر داده‌اند. کشورهای سوسیالیست، موضع بینابینی دارند و در برخی موارد مفهوم مذکور را رد کرده و در برخی زمینه‌ها از آن حمایت می‌کنند. (Baslar, 1998, p. 38)

اصل میراث مشترک بشریت از سال ۱۹۶۷ در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح شد؛ دکتر اروید پارودو رئیس هیئت نمایندگی کشور مالت در سازمان ملل، طی نطقی مفصل در نوامبر ۱۹۶۷ در مجمع عمومی سازمان ملل اعلام نمود که رژیم بین‌المللی اعماق دریاها و اقیانوس‌ها را باید بر اصول نوین، منصفانه و اخلاقی استوار کرد. (میرعباسی، ۱۳۸۰، ص ۵۹)

این مفهوم در اسناد مهمی که سازمان‌های بین‌المللی معتبر تصویب کرده‌اند، شناسایی شده است. همچنین در کنش‌های حقوق بین‌المللی و موافقت‌نامه‌های بین‌الدولی دوجانبه منطقه‌ای بر آن تأکید شده است. (جمالی، ۱۳۸۷، ص ۴) علی‌رغم استقرار این اصل در اسناد الزام‌آور بین‌المللی نظیر کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و موافقت‌نامه ۱۹۷۹ مربوط به فعالیت‌های دولت‌ها بر روی ماه و سایر اجرام آسمانی، همچنان ابهامات و اختلافات عمیقی

1. Common heritage of mankind

پیرامون محتوا، حدود و کاربست عملی آن وجود دارد. هدف اصلی پژوهش پیش‌رو، بازسازی شبکه معنایی «میراث مشترک بشریت» از طریق تحلیل متن محور اسناد بین‌المللی و تبیین تحولات مفهومی آن در گذر زمان است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل اسنادی و رهیافت تفسیری و با اتکا بر منابع دست‌اول حقوقی با بررسی اسنادی که به بیان مفهوم میراث مشترک بشریت پرداخته‌اند، به تبیین این مفهوم خواهد پرداخت. رویکرد روش‌شناختی پژوهش حاضر هم مبتنی بر دگماتیسم حقوقی (توصیف نظام حقوقی موجود) و هم روش سیستمی (نقد کفایت، سودمندی و کارکرد قواعد کنونی) است؛ یعنی سعی شده است ضمن مباحث به ارزیابی، آسیب‌شناسی و هم‌سنجی محتوای قواعد نیز پرداخته شود.

۱. مبانی نظری و چهارچوب مفهومی

۱-۱. واژه‌شناسی مفهوم میراث مشترک بشریت

سه واژگان میراث، مشترک و بشریت، فی‌نفسه، ارزش ذاتی ندارند. بلکه این‌ها عناصر مفهوم «میراث مشترک بشریت» به‌عنوان یک عبارت فراگیر هستند و دلالت‌های مختلف حقوقی دارند. (Joyner, 1986, p. 190) هنگامی که مفهوم «میراث مشترک بشریت» برای نخستین بار، جهت بهره‌برداری از منابع طبیعی جهان پیشنهاد شد کلمه Heritage یا میراث، به دلیل برداشت اشتباهی که از آن شده بود در مفهوم دارایی استفاده شد و لذا اولین تفسیر از میراث مشترک بشریت بر حقوق مالکانه بشریت بر سیاره زمین متمرکز بود. (Fleischer, 1980, p. 330) واژه میراث، به معنی دارایی که به ارث رسیده یا ممکن است به ارث برسد و آنچه از اجداد و نیاکان به‌عنوان یک ویژگی، فرهنگ یا سنت و ... به ارث رسیده است، می‌باشد. (جمالی، ۱۳۹۰، ص ۷۵-۷۷)

واژه «مشترک»، همواره از جنجال‌برانگیزترین واژه‌های حقوقی بوده است که حامل این پیام است که منابع به‌کل جامعه بین‌المللی متعلق است، یا مشترکاً استفاده شده یا با بقیه، تقسیم می‌شود. این کلمه با دارایی مشترک، مالکیت مشترک و حاکمیت مشترک، همراه و مترادف به نظر می‌رسد. این واژه، تنها قسمت مؤثر از عبارت است که با واژه‌های میراث و بشریت مرتبط می‌باشد و حامل این پیام است که منابع، به جامعه بین‌المللی در کلیت آن تعلق داشته است یا مشترکاً با بقیه تقسیم می‌شود. (Fleischer, 1980, p. 330)

واژه «بشریت»، مبین تابع جدیدی از حقوق بین‌الملل و نتیجه مستقیم تکامل و تحول حقوق از جمله منشور ملل متحد، معاهده ۱۹۵۹ جنوبگان، قطعنامه ۱۹۵۹ مجمع عمومی

سازمان ملل متحد درباره استفاده مسالمت‌آمیز از فضای ماورای جو و بسیاری از معاهدات و قطعنامه‌های دیگر است. (Fleischer, 1980, p. 330)

نگاهی گذرا به تاریخ، نشان می‌دهد که استعمال مفهوم بشریت در واژه‌شناسی ادبیات و فلسفه و کتب مقدس به مراحل اولیه تمدن بشر برمی‌گردد. (جمالی، ۱۳۸۹، ص ۷۷) بهره‌مندی از فضاهای مشترک باعث تولد واژگان متفاوت، تحت دکترین‌های متفاوتی شده است که عبارت‌اند از:

۱. مال مشترک^۱: منشأ این واژه، حقوق خصوصی رم است و به معنای دارایی همه و شیء ای است که از نظر فیزیکی و دوام، یکپارچه است و قابل تملک از سوی هر شخص اعم از حقیقی یا حقوقی می‌باشد، نیز اشاره به اموالی دارد که قطعاً نمی‌توانند موضوع حقوق خصوصی قرار گیرند، مانند دریاها و آزاد و فضای ماورای جو و این تفکر با آنچه «مال هیچ‌کس»^۲ نامیده می‌شد، یعنی مال بدون صاحب کاملاً متفاوت است. (Baslar, 1998, p. 40)

۲. بهره‌برداری آزاد از مناطق مشترک^۳: این واژه که دلالت بر بهره‌برداری آزاد از نواحی مشترک و عام بدون اعمال حاکمیت ملی دارد تعبیر دیگری از نظریه‌ای است که در رابطه با فضای اعماق دریاها و فضای ماورای جو به کار می‌رفت.

۳. مال مشترک بشریت^۴: این اصطلاح از حقوق رم گرفته شده است؛ اما به‌صورت لاتین ارائه شده است. از سال ۱۹۶۷، حقوقدانان تصمیم گرفتند میراث مشترک بشریت را در قالب اصطلاح «مال»^۵ قرار دهند و این اصطلاح از سوی حقوقدانان امریکای لاتین پیشنهاد شد. این نظریه در واقع توسعه اصل «مال مشترک»^۶ است که قبل از خلانی که پس از نظریه «میراث مشترک بشریت» به وجود آمد، پیش‌بینی شد. (Fleischer, 1980, p. 444)

میراث مشترک بشریت، به‌عنوان یک بخش از مدیریت منابع بین‌المللی، یک مفهوم کارکردی است تا سرزمینی، میراث مشترک بشریت لزوماً مرتبط با مالکیت مناطقی که این منابع در آن یافت می‌شوند نیست؛ آنچه اهمیت دارد بهره‌برداری از آن به نفع بشریت است. از زمان طرح میراث

-
1. Res Communis Omnium
 2. Res Nullius
 3. Res Extra Commercium
 4. Res communis Humaritatis
 5. Res
 6. Res Communis

مشترک بشریت، همیشه معما این بوده است که چه مدل مدیریتی می‌تواند به بهترین شکل، نفع بشریت را تأمین کند؛ پاسخ به این سؤال این است که در تعریف و تبیین نفع مشترک باید بر اصل عدالت، تمرکز کرد. تحت روش Res عینیت یافتن نفع مشترک بشریت با توازن در دو بعد منافع نسل‌های حاضر و آتی، تقریباً غیرممکن است. (جمالی، ۱۳۸۹، ص ۷۳؛ Larschan, 1982, p. 115)

۲-۱. تاریخچه شکل‌گیری مفهوم میراث مشترک بشریت

از اواسط دهه ۱۹۶۰ جامعه بین‌المللی به اهمیت و توان بالقوه عظیم اقیانوس‌ها و فضای ماورای جوی برسد. در آن زمان، جامعه بین‌المللی دریافت که تفاوت فناوریانه عمیق میان کشورهای صنعتی و غیرصنعتی، می‌تواند نابرابری‌های میان کشورهای غنی و فقیر را بیشتر تشدید نماید. وقتی این نگرانی‌ها به مجمع عمومی سازمان ملل وارد شد، آروید پارود نماینده مالت در سازمان ملل طی یادداشت شفاهی در ۱۷ اوت ۱۹۶۷ درخواست کرد که موضوع در دستور کار اجلاس بیست و دوم مجمع عمومی قرار گیرد. (جمالی، ۱۳۸۹، ص ۵۷)

در اول نوامبر ۱۹۶۷، پارود به مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد کرد که زیر بستر دریا و کف اقیانوس‌ها و منابع آن میراث مشترک بشریت اعلام شود. در ۱۷ دسامبر ۱۹۷۰ مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه اصول حاکم بر بستر دریاها و کف اقیانوس‌ها و زیر بستر آن‌ها، خارج از حوزه صلاحیت ملی را تصویب کرد. اعلامیه اعلان می‌دارد که بستر دریا و کف اقیانوس‌ها و زیر بستر آن‌ها میراث مشترک بشریت است. پیشنهاد پارود سرآغاز مذاکراتی در زمینه کنوانسیون ملل متحد درباره حقوق دریاها بود که در ۱۹۸۲ با تنظیم یک نظام حقوقی بر بستر دریاها و اقیانوس‌ها منعقد شد. ماده ۱۳۶ این کنوانسیون، اعماق دریا و اقیانوس - خارج از محدوده صلاحیت ملی و منابع آن را میراث مشترک بشریت اعلام کرد. (جمالی، ۱۳۸۹، ص ۵۷)

به موازات این پیشرفت، در ۱۹۷۹ موافقت‌نامه حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در ماه و دیگر اجرام آسمانی ماده ۱۱(۱)، ماه و منابع آن را نیز میراث مشترک بشریت شناخت. در ۱۹۸۲، پیشنهاد شد که جنوبگان به عنوان میراث مشترک بشریت اعلان گردد. تلاش‌های زیادی صورت گرفته تا منابع گوناگون دیگری را متعلق به بشریت اعلام نمایند؛ از جمله منابع ماورای جو مانند مدار ثابت زمین، طیف فرکانس‌های رادیویی مورد استفاده برای ارتباطات فضایی، انرژی خورشید، مدارهای پایینی زمینی، نقاط لاگرانژ، منابع زیست‌محیطی متنوع همچون گونه‌های در معرض خطر انقراض، منابع ژنتیکی، جنگل‌های بارانی گرمسیری، اتمسفر، همه منابع

غذایی، منابع زنده دریایی، میراث فرهنگی و طبیعی (در خشکی) و در زیرآب، حقوق بشر و تنوع فرهنگی، به‌علاوه به استفاده از فلسفه میراث مشترک بشریت در انتقال فناوری و کالاهای تجاری نیز توجه شده است. (جمالی، ۱۳۸۹، ص ۵۷)

این مفهوم، علاوه بر اسناد فوق در اسناد دیگری نیز مورد شناسایی قرار گرفته است؛ از جمله معاهده ۱۹۵۹ واشنگتن در مورد جنوبگان، معاهده ۱۹۶۷ در مورد اصول حاکم بر فعالیت دولت‌ها در اکتشاف و بهره‌برداری از ماه و دیگر اجرام آسمانی. اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم در مورد محیط‌زیست انسانی، کنوانسیون ۱۹۷۲ یونسکو در مورد حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان، کنوانسیون ۱۹۸۰ در مورد حفظ منابع زنده دریایی جنوبگان، منشور آفریقایی ۱۹۸۱ در مورد حقوق بشر و ملت‌ها، کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان بین‌المللی ارتباطات از راه دور، کنوانسیون ۱۹۸۸ در مورد منابع معدنی جنوبگان، پروتکل ۱۹۹۱ در مورد حفظ محیط‌زیست جنوبگان، اعلامیه ۱۹۹۲ کنفرانس ملل متحد در مورد محیط‌زیست و توسعه، موافقت‌نامه ۱۹۹۴ در مورد اجرای فصل یازدهم کنوانسیون ۱۹۵۲ حقوق دریاها، اعلامیه جهانی ۱۹۹۷ یونسکو در مورد ژنوم انسانی، اعلامیه ۱۹۹۷ یونسکو در مورد مسئولیت نسل‌های حاضر در برابر نسل‌های آینده، اعلامیه ۲۰۰۱ یونسکو در مورد تنوع فرهنگی، کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو در مورد میراث فرهنگی زیرآب، کنوانسیون ۲۰۰۵ یونسکو در مورد حفظ تنوع بیان‌های فرهنگی و سند نهایی ۲۰۰۷ جنبش عدم تعهد در مورد حقوق بشر و تنوع فرهنگی و اسناد دیگر. (جمالی، ۱۳۸۹، ص ۵۸) از اوایل دهه ۱۹۹۰، عواملی در درک ماهیت و نتایج حقوقی مفهوم میراث مشترک بشریت تأثیر قابل‌توجهی داشته‌اند:

اولین عامل، فضای پس از جنگ سرد است. تضاد شرق و غرب، عامل مهمی در ظهور و توسعه بسیاری از اصول و نهادهای حقوق بین‌الملل بود. میراث مشترک بشریت نیز از این قاعده مستثنا نبود. بسیاری از مقررات و قواعد میراث مشترک بشریت طی مذاکرات کنوانسیون حقوق دریا و معاهده‌ها، تحت تأثیر دکترین‌های سوسیالیستی و کاپیتالیستی شکل گرفت. فروپاشی نظم شرق - غرب و پیروی لیبرالیسم و نظم نوین جهانی تا حد زیادی بر ساختار و نتایج این مفهوم تأثیرگذار بوده‌اند. (جمالی، ۱۳۸۹، ص ۵۷)

دوم اینکه، ما در دوره پس از نظم نوین اقتصادی قرار داریم. اعتقاد عمومی این است که میراث مشترک بشریت در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ پایه‌گذاری شده است؛ یعنی دورانی که کشورهای در حال توسعه به‌طور آشکار از میراث مشترک بشریت به‌عنوان وسیله‌ای برای

توزیع ثروت جهان از طریق نظم نوین اقتصادی بین‌المللی، استفاده می‌کردند؛ بنابراین دو دهه به‌طور قاطع به جنبه‌های اقتصادی این مفهوم توجه شده است. این نظم که در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ یک رسم زودگذر شد، امروز نیز حیات چندانی ندارد. (جمالی، ۱۳۸۹، ص ۵۹)

سوم اینکه با انعقاد کنوانسیون ملل متحد در مورد محیط‌زیست و توسعه (UNCED) در ۱۹۹۲ در ریو، کاملاً آشکار شد که هرگاه آینده بشریت در تهدید باشد دولت‌ها در مورد مسائل مشترک و دستیابی به اهداف مشترک مجبور به مذاکره و فداکاری خواهند بود. اجلاس سران جهان همچنین از این جهت مهم بود که جامعه بین‌المللی تصدیق کرد که موضوعات اقتصادی و زیست‌محیطی به هم درآمیخته‌اند. اگرچه دولت‌های شرکت‌کننده برای پذیرش تحلیل تضعیف حاکمیت خود آماده نبودند ولی کنفرانس ریو سرآغاز تغییر حاکمیت مطلق به حاکمیت نظارتی^۱ بود. (جمالی، ۱۳۸۹، ص ۵۹)

میراث مشترک بشریت در اصل یک مفهوم حقوق طبیعی می‌باشد و بدین جهت این مفهوم با برخی اصول حقوق بین‌الملل و ستفالیایی مثل حاکمیت، سرزمین و منابع ارادی حقوقی بین‌الملل تناقض دارد. علاوه بر آن میراث مشترک بشریت با مفهوم حقوق رم از واژه Res ارتباطی ندارد. به‌علاوه چارچوب تئوریک میراث مشترک بشریت باید بر پایه دکترین امانت عمومی و نظارت اخلاقی باشد. (جمالی، ۱۳۸۹، ص ۶۰)

۳-۱. اصول و عناصر اساسی مفهوم میراث مشترک بشریت

اصول متعددی بر مفهوم میراث مشترک بشریت حاکم است. (Larschan, 1982, p. 305; Wolfrum, 1983, p. 312) از دیدگاه پاردو اصول اساسی راجع به اصل میراث مشترک بشریت عبارت‌اند از:

۱. اصل سرزمینی: بدین معنی که ناحیه جغرافیایی موردنظر نمی‌تواند توسط دولت‌ها و

اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی تصاحب گردد؛

۲. اصل اقتصادی: که به‌موجب آن استفاده از منابع ناحیه موردنظر باید در جهت نفع

همه بشریت صورت گیرد؛

۳. اصل امنیتی: بدین مفهوم که نواحی جغرافیایی موردنظر باید منحصرأً برای اهداف

صلح‌آمیز مورد استفاده قرار گیرد؛

۴. حمایت و حفاظت از محیط‌زیست این ناحیه جغرافیایی ضرورت دارد؛

۵. اصل ساختاری: که تأسیس یک نهاد بین‌المللی برای قانون‌گذاری، اداره، کنترل صلاحیت‌ها و توزیع منصفانه منافع مالی و اقتصادی را پیش‌بینی می‌کند. (حبیب‌زاده و منصور، ۱۳۹۲، ص ۹۶)

۱-۳-۱. عدم تخصیص^۱

بند ۲ ماده ۱۳۷ کنوانسیون حقوق دریاها، بندهای ۷ و ۳ معاهده ماه (۱۹۷۹)، بند ۲ ماده ۱، ماده ۲ معاهده فضا (۱۹۶۷) به عدم تملک و تخصیص مناطق و منابع اشاره دارد. منطقه و ناحیه موردنظر در چارچوب نظام میراث مشترک بشریت قابل تصاحب و تخصیص از سوی دولت‌ها و اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی نیستند. در واقع اولین عنصر میراث مشترک بشریت این الزام را به همراه دارد که نه ناحیه موردنظر و نه منابع آن قابل تملک نیست. (حبیب‌زاده و منصور، ۱۳۹۲، ص ۱۰۰)

۱-۳-۲. مدیریت بین‌المللی

استخراج و بهره‌برداری از منطقه و ناحیه موردنظر باید در چارچوب یک نظام مدیریتی مشترک و عمومی انجام گیرد. ایجاد یک ساختار بین‌المللی با مشارکت جهانی برای تأمین منافع همه بشریت، یک اصل ضروری است. (حبیب‌زاده و منصور، ۱۳۹۲، ص ۱۰۰)

۱-۳-۳. تسهیم و بهره‌مندی منصفانه^۲

تسهیم و بهره‌مندی از منافع منطقه و ناحیه موردنظر باید منصفانه و بودن هیچ‌گونه تبعیض و با ملاحظه نیازمندی دولت‌های در حال توسعه و نسل‌های آینده صورت گیرد. در نظام میراث مشترک بشریت، منافع اقتصادی حاصله باید توسط جامعه جهانی بر مبنای اصول عادلانه و منصفانه تقسیم شود؛ همچنین، جهت تضمین حمایت و حفاظت از منافع نسل‌های آینده، بهره‌برداری باید به نحو مضمون، متعادل و با رعایت اصول زیست‌محیطی انجام شود، به‌گونه‌ای که از نقصان فاحش منابع خودداری گردد. (حبیب‌زاده و منصور، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱)

۱-۳-۴. اهداف مسالمت‌آمیز

استفاده صلح‌آمیز منطقه و ناحیه موردنظر بدین معنی که تمامی اقدامات دارای ماهیت نظامی

1. Non Appropriation
2. Benefit Sharing

در آن ممنوع خواهد بود. (حبیب‌زاده و منصوری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱)

۵-۳-۱. رعایت اصول و استانداردهای محیط‌زیستی

یکی دیگر از عناصر میراث مشترک بشریت، رعایت اصول و استانداردهای زیست‌محیطی در مناطق شناخته‌شده به این عنوان است. بر این اساس در اسناد و معاهدات متضمن مفهوم میراث مشترک بشریت مقرراتی در حمایت و حفاظت از محیط‌زیست در برابر خطرات و آسیب‌ها و خسارات ناشی از فعالیت‌های استخراج و بهره‌برداری پیش‌بینی شده است. (حبیب‌زاده و منصوری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲)

۴-۱. مفهوم میراث مشترک بشریت در اسناد بین‌المللی

مفهوم میراث مشترک بشریت در متون و اسناد مربوط به حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل مطرح گردیده است که در ادامه به برخی از نمودهای این مفهوم اشاره می‌نماییم.

۱-۴-۱. در حوزه بستر و زیر بستر دریاها

یکی از علل و زمینه‌های پیدایش این اصل را باید در وجود منابع سرشار معدنی در بستر وزیر بستر دریای آزاد و برنامه کشورهای صنعتی و صاحب فناوری برای بهره‌برداری از این منابع و تلاش کشورهای جهان سوم جهت سهم شدن در منافع حاصل از این بهره‌برداری‌ها دانست. (آکهرست، ۱۳۷۲، ص ۲۵۵) از آنجاکه دولت‌های توسعه‌یافته و درحال توسعه، نظر واحدی در خصوص نحوه بهره‌برداری از منافع مزبور نداشتند؛ تا سال ۱۹۸۲ دو اصل، بر دریای آزاد حاکم بود، مشترکات عامه و بلاصاحب بودن و حیازت مباحات؛ ولی در سال ۱۹۸۲ برای بستر وزیر بستر دریاها و اقیانوس‌ها، نظام میراث مشترک بشریت به وجود آمد. دولت‌های درحال توسعه، ظهور مفاهیم و اصول مدنی همچون میراث مشترک بشریت را عامل مؤثری در راستای پیشبرد نظم نوین بین‌المللی اقتصادی و تا حدودی، کاهش فقر و بی‌عدالتی در صحنه جهانی می‌دانند و از اجرای اصل میراث مشترک بشریت در دریاها حمایت کرده‌اند. (Wang, 2020, p. 105)

رومیان، دریا را مانند آب‌وهوا، متعلق به همه مردم می‌دانستند، حقوق‌دانان بزرگ روم مثل «پول و اولپین»^۱ به‌کرات این حقیقت را مورد تأکید قرار داده‌اند که دریاها را باید از رودخانه متمایز کرد، چراکه دریاها به جامعه بشریت تعلق دارد، در صورتی که رودخانه‌ها و بندرها

1. Paul & Ulpein

متعلق به دولت‌ها هستند به‌طوری‌که اتباع غیررومی نیز می‌توانستند آزادانه از دریا استفاده کنند و تنها دشمنان از این آزادی برخوردار نبودند؛ در قرون وسطی هرچند که حقوق روم کمافی‌السابق پابرجا بود، قدرت‌های آن زمان به‌تدریج دریاهای آن خود می‌دانستند و بر آب‌های مجاور، ادعای مالکیت و حاکمیت نمودند؛ در دوره تجدید حیات فرهنگی و اجتماعی (رنسانس) توسعه صنایع و روابط بازرگانی دول معظم دریایی را بر این داشت که نواحی عظیمی از اقیانوس‌ها را به خود اختصاص دهند؛ مهم‌ترین قوانین مربوط به آزادی دریاهای مربوط به زمان گروسیوس می‌باشد که در کتاب معروف خود به نام دریای باز در سال ۱۶۰۹ از اصل آزادی دریاهای طرفداری کرد به‌طوری‌که به‌استثنای زمان جنگ، سفر و ماهیگیری در هر نقطه از سطح دریا آزاد بود؛ درواقع تا اواسط قرن گذشته وضع مهمی در مورد اعماق دریاهای و کف اقیانوس‌ها متصور نبود ولی با مرور زمان و در اثر وسعت دستیابی بشر به فنون جدید و توسعه شناخت بیشتر دریاهای و اعماق آن‌ها و پی بردن به منافع که از این قسم می‌توانست حاصل آید، نظرها را متوجه این موضوع ساخت.

از سال ۱۹۴۵ متعاقب اعلامیه ترومن، راه برای ادعاهای یک‌جانبه باز شد و در نتیجه آن توسعه حقوق دریاهای مورد توجه قرار گرفت و باعث شد که در واقع از سال ۱۹۵۴ به بعد، دولت‌های جهان که تا آن موقع از آزادی دریاهای راضی بودند و لزومی برای توسعه صلاحیت خود نمی‌دیدند به فکر چاره‌اندیشی بیفتند.

پیشنهاد نماینده مالت با حمایت دولت‌های دیگر موردپذیرش مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت. به دنبال آن مجمع عمومی، کمیته بستر دریاهای جهت بررسی موضوع، تأسیس نمود که منجر به تصویب دو قطعنامه در مجمع عمومی شد؛

۱. قطعنامه ۲۷۵۴ مجمع عمومی سازمان ملل موسوم به قطعنامه مهلت تعلیق عملیات که با تصویب آن در سال ۱۹۶۹، بهره‌برداری از بسته و زیر بستر دریاهای و اقیانوس‌ها خارج از محدوده صلاحیت ملی توسط دولت‌ها و اشخاص ممنوع گردید و اعلام شد که هیچ ادعایی بر مناطق فوق به رسمیت شناخته نخواهد شد. (حبیب‌زاده و منصوری، ۱۳۹۲، ص ۹۷)
۲. قطعنامه ۲۷۴۹ مجمع عمومی سازمان ملل درباره اصول حاکم بر بسته و زیر بسته دریاهای و کف اقیانوس‌ها واقع در ماورای محدوده صلاحیت ملی که در سال ۱۹۷۰ به تصویب رسید و به‌موجب آن بسته و زیر بسته دریاهای و کف اقیانوس‌ها و نیز منابع واقع

در آن‌ها میراث مشترک بشریت است و هیچ دولت یا شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی نمی‌تواند هیچ‌گونه ادعایی نسبت به منطقه و منابع آن داشته باشد. (حبیب‌زاده و منصوری، ۱۳۹۲، ص ۹۸)

مهم‌ترین اصول و قواعد مرتبط با اصل میراث مشترک بشریت در بخش یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ گنجانده شده است و به تفصیل درباره رژیم حقوقی حاکم بر اکتشافات و اداره اعماق دریاها به نفع همه افراد بشر توضیح داده است، چنانکه:

مطابق ماده ۱۳۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، منطقه بستر و زیر بستر دریاها و کف اقیانوس‌ها که در محدوده خارج از صلاحیت ملی قرار دارند و همچنین منابع موجود در آن‌ها که مطابق ماده ۱۳۳ کنوانسیون مذکور، شامل منابع جامد، مایع و گاز، می‌باشد، میراث مشترک بشریت شناخته شده‌اند.

عنصر عدم تخصیص ملی که به‌عنوان یکی از عناصر مفهوم میراث مشترک بشریت شناخته شده است، ضمن ماده ۱۳۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مورد اشاره قرار گرفته است؛ بند الف این ماده مقرر می‌دارد: هیچ کشوری نمی‌تواند در هر بخش از منطقه یا منابع آن اعمال حاکمیت کند یا درصدد اعمال حقوقی ناشی از حاکمیت باشد و یا در این مورد ادعایی نماید؛ همچنین، بند ب این ماده اذعان می‌دارد اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی و نیز دولت‌ها نمی‌توانند بخشی از منطقه یا منابع آن را به خود اختصاص دهند و یا تصاحب نمایند. علاوه بر این، در بند ج ماده مذکور، اشاره شده است، هیچ نوع ادعایی یا اعمال حاکمیت یا حقوق حاکمه در منطقه به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ به‌موجب بند د این ماده، تمامی مردم جهان از کلیه حقوق بر منابع منطقه برخوردار هستند و مقام بین‌المللی اعماق از طرف آن‌ها عمل می‌کند.

ماده ۱۴۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، به عنصر نفع بشریت به‌عنوان عنصر دیگری از مفهوم میراث مشترک بشریت اشاره کرده است و مقرر می‌دارد تمام فعالیت‌های منطقه باید به نحوی انجام شود که منافع کل بشریت خصوصاً منافع کشورهای در حال توسعه و مردم سرزمین‌های غیرمستقل در نظر گرفته شود. به‌علاوه کلیه امتیازات و منابع حاصل از بهره‌برداری منطقه، بدون تبعیض و به‌طور منصفانه بین کشورها تقسیم شود. (چرچیل و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۷۹-۲۸۰)

ماده ۱۴۱ کنوانسیون مذکور، فعالیت‌های مربوط به بهره‌برداری و تحقیقات علمی و معدنی را تنها در صورتی که در جهت اهداف صلح‌آمیز باشد، مجاز می‌داند. ماده ۱۴۵ بر حفاظت از محیط‌زیست دریایی و محیط‌زیست بشری تأکید شده است. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها

همچنین سازمان بین‌المللی اعماق دریاها را به‌عنوان سازمانی برای مدیریت بستر و زیربستر دریاها پیش‌بینی نموده است که سازوکار خاص خود را دارد.

جدیدترین عرصه کاربست مفهوم میراث مشترک بشریت، «تنوع زیستی مناطق فراتر از صلاحیت ملی»^۱ است. در مارس ۲۰۲۳، پس از نزدیک به دو دهه مذاکره، کشورهای عضو سازمان ملل متحد بر سر «موافقت‌نامه حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی دریایی در مناطق فراتر از صلاحیت ملی» _معروف به «پیمان‌نامه دریای آزاد»^۲ به توافق رسیدند. (Abegón-Novella, 2024, p. 439) نقطه کانونی و جدال‌برانگیزترین موضوع در مذاکرات BBNJ، تعیین نظام حقوقی حاکم بر «منابع ژنتیک دریایی»^۳ در مناطق فراتر از صلاحیت ملی بود. کشورهای توسعه‌یافته معتقد بودند که اصل آزادی دریاهای آزاد باید اعمال شود، درحالی‌که کشورهای درحال توسعه بر کاربست اصل میراث مشترک بشریت پافشاری می‌کردند. توافق نهایی (که نوعی راه‌حل میانی و مصالحه‌آمیز است) از جمله مقرر می‌دارد که منافع حاصل از بهره‌برداری از منابع ژنتیک دریایی بین کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته تقسیم شود، بدون اینکه صراحتاً این نظام را «میراث مشترک بشریت» بنامد. (Bodansky, 2024, p. 299) برخی تحلیلگران این موافقت‌نامه را به‌عنوان «موفقیتی نسبی برای کشورهای درحال توسعه» تلقی می‌کنند، درحالی‌که برخی دیگر آن را «تضعیف مفهوم میراث مشترک بشریت» قلمداد می‌کنند. جارویس و یانگ (۲۰۲۳) هشدار داده‌اند که از جمله مسائل مبرم و باز، فقدان «اصول مورد توافق بین‌المللی برای هدایت تصمیم‌گیری»، «تجزیه حکمرانی»، «عدم قطعیت پیرامون وضعیت حقوقی منابع دریایی و فعالیت‌ها»، «فقدان استانداردهای اجرایی» و «شکاف‌های دانشی قابل توجه» است. (Jarvis, 2023, p. 105)

۲. فضای ماورای جو

معاهده اصول حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در اکتشاف و استفاده فضای ماورای جو؛ شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی مصوب ۱۹ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی، اگرچه به‌صراحت به اصل میراث مشترک بشریت اشاره ندارد اما مقرر می‌دارد که فضای ماورای جو باید به‌عنوان قلمرو همه

1. Biodiversity Beyond National Jurisdiction – BBNJ

2. High Seas Treaty

3. Marine Genetic Resources – MGR

بشریت محسوب شده و هیچ دولتی نمی‌تواند مدعی حاکمیت بر آن شود. در ماده ۱ این معاهده، یکی از اصول اساسی مفهوم میراث مشترک بشریت یعنی، اصل آزادی مقرر شده است. ضمن ماده ۲ معاهده مذکور، اصل عدم تملک، تخصیص و تصاحب فضای ماورای جو^۱ بیان شده است. از جمله معانی عبارت تخصیص، انتخاب و اختصاص دادن زمینی برای مقاصد خاص می‌باشد. اختصاص دادن چیزی به خود می‌تواند با ادعای مالکیت آن چیز همراه باشد و یا نباشد. در هر حال اسناد حقوق بین‌الملل فضایی هیچ‌یک از این دو را در مورد فضای ماورای جو و اجرام آسمانی نپذیرفته‌اند. (عباسی و رستمی، ۱۳۹۴، ص ۳۹) مبانی پذیرش اصل عدم تخصیص در فضای ماورای جوی، در چند محور عمده خلاصه می‌شود. از دیگر ضرورت‌های پذیرش این اصل در مشکلات ناشی از اعطای حق مالکیت نهفته است؛ از جمله این مشکلات می‌توان به تخریب اجرام آسمانی در پی اعمال حق مالکیت اشاره نمود. اگرچه فضای ماورای جو یکی از معدود گستره‌هایی است که نوع بشر موفق نشده به‌طور مؤثر آن را آلوده و تخریب نماید؛ اما نگاه به اسناد بین‌المللی بیانگر آن است که جامعه جهانی همواره از تخریب و آلودگی محیط‌زیست فضا به دلایلی چون تأثیر منفی بر محیط‌زیست کره زمین، نگران بوده است.

بند ۱ ماده ۱۱ معاهده ماه، تمام سرزمین و منابع موجود در ماده را به‌عنوان میراث مشترک بشریت می‌داند در حالی که افراد و یا دولت‌ها می‌توانند مالک ایستگاه‌های قمری، وسایل و تجهیزات، امکانات و تأسیسات باشند (بند ۲ ماده ۱۲) و حقوق استفاده‌کننده را بر مناطق محدودی که برای نیازمندی‌های ایستگاه لازم است اعمال نمایند (بند ۱ ماده ۹) لیکن تخصیص و مالکیت گسترده را به آنان اجازه داده نشده است. (عباسی و رستمی، ۱۳۹۴، ص ۴۱)

از دیگر اصول میراث مشترک بشریت، عبارت است از نفع بشریت؛ به‌موجب اسناد حقوق بین‌الملل فضایی، کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو باید با اهداف مسالمت‌آمیز و در راستای نفع بشریت باشد. بهره‌مندی بشریت از منافع و دستاوردهای فعالیت‌های فضایی دارای سه بعد است؛ نخست در خصوص منافع اقتصادی حاصل از اکتشاف و بهره‌برداری منابع موجود در فضای ماورای جو که با موضوع تقسیم منصفانه منافع میان کشورها ارتباط دارد دولت‌ها به نمایندگی از ملت‌های خود عمل می‌نمایند؛ دوم آنکه فعالیت‌های فضایی نباید به محیط‌زیست منطقه آسیب برساند؛ از این‌رو هر اقدامی که موجب آلودگی محیط‌زیست فضا

بشود، مانند بجا گذاشتن زباله‌های فضایی که تأثیرات زیانباری بر آب‌وهوای زمین دارد، ناقض نفع بشریت محسوب می‌شود. موضوع آلودگی زیست‌محیطی فضا در ماده ۹ معاهده فضای ماورای جو و مواد ۵ و ۷ معاهده ماه پیش بینی شده است؛ ماده ۱۱ معاهده فضای ماورای جو و بند ۱ ماده ۵، عباراتی مشابه، بیان می‌دارند که کشورهای طرف معامله باید نتیجه فعالیت‌هایی را که در فضای ماورای جو انجام می‌دهند به اطلاع دبیر کل سازمان ملل، جامعه علمی جهانی و افکار عمومی برسانند. (Khatwan, 2019, p. 89) معاهده فضای ماورای جو، دبیر کل سازمان ملل را مکلف به انتشار فوری و مؤثر این اطلاعات دانسته است. بند ۳ ماده ۷ معاهده ماه همچنین اشعار می‌دارد که کشورهای طرف معاهده در خصوص مناطقی از ماه که فایده علمی خاصی دارند، باید به دیگر کشورهای طرف معاهده و دبیر کل سازمان ملل گزارش دهند. (عباسی و رستمی، ۱۳۹۴، ص ۴۶-۴۷) اصل بهره‌برداری با اهداف صلح‌آمیز از میراث مشترک بشریت در اسناد فضای ماورای جو دیده می‌شود؛ مفهوم استفاده غیرنظامی، تحقق میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو را تضمین می‌نماید. طبق ماده ۴ معاهده فضای ماورای جو، کشورها از قرارداد هر نوع شی حامل سلاح‌های هسته‌ای، کشتار جمعی و نصب چنین سلاح‌هایی بر روی اجرام آسمانی، یا قرار دادن این گونه سلاح‌ها در فضای خارج از جو و مدل اطراف زمین منع نشده‌اند. (عباسی و رستمی، ۱۳۹۴، ص ۵۰-۵۱)

۳. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

اجزای میراث مشترک بشریت، عبارت‌اند از محیط‌زیست زمین و بخش‌های تشکیل‌دهنده آن، از قبیل منابع آب‌و خاک، منابع گیاهی و حیوانی، حیات انسان، میراث فرهنگی، مواد خام، منابع انرژی و اطلاعات. (Brownlie, 1981, p. 33) هر منطقه یا منبع برای اینکه بخشی از میراث مشترک بشریت باشد، باید به همه بشریت مربوط باشد. در مورد از بین رفتن تنوع زیستی یا آلودگی اکوسیستم‌های مهم یا تخریب جنگل‌های گرمسیری و غیره، نتایج را نمی‌توان به منطقه یا مردم یا زمان خاصی محدود کرد. اگر میراث مشترک بشریت را آن‌گونه که در معاهده ماه و کنوانسیون حقوق دریاها به کار رفته است مدنظر قرار دهیم، با اصل «عدم تخصیص» مواجه می‌شویم که حاکمیت بر مناطق میراث مشترک بشریت را منع می‌کند. اگر میراث مشترک همیشه در اصل رومی «مال عمومی»^۱ که به معنی قلمرو مشترک متعلق به

1. Res Publica

جامعه بین‌المللی است ریشه داشته باشد در این صورت عدم تخصیص جزء لاینفک میراث مشترک بشریت خواهد بود. وقتی غالب منابع مهم جهانی درون مرزهای ملی واقع شده‌اند این نظریه، با هر شکلی که به خود بگیرد، برچسب مناسبی برای نوع دوم میراث مشترک نیست. حفاظت از میراث مشترک واقع در مرزهای کشور، مستلزم آن نیست که دولت‌ها از حاکمیت ملی خود دست بکشند، بلکه باید منافع بقیه جامعه بین‌المللی را در نظر بگیرند. کشورها باید به‌عنوان مدیریت خوب و مناسب منابع، مستحق دریافت کمک‌های مالی، فناوریانه و سایر کمک‌های مادی از سوی جامعه بین‌المللی باشند. در این صورت، میراث مشترک بشریت با اصل حاکمیت دائمی دولت‌ها بر منابع طبیعی خود منافات ندارد. عناصر و اصول فوق در اسناد مهم بین‌المللی مربوط به حفظ محیط‌زیست به تفصیل بیان شده است از جمله، اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم در مورد محیط‌زیست (UN Doc. / A/CONF.48/14)، منشور جهانی طبیعت (UN Doc. A/37/151/1982)، کنوانسیون یونسکو مورخ ۲۳ نوامبر ۱۹۷۲ در مورد حفاظت و حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی، قطعنامه (XXVII) ۲۹۹۷ مجمع عمومی در مورد مقررات نهادی و مالی مربوط به همکاری بین‌المللی در قلمروی محیط‌زیست مصوب ۱۵ دسامبر ۱۹۷۲، کنوانسیون ۱۹۷۹ برن در مورد حفاظت از حیات وحش و محیط طبیعی، کنوانسیون ۱۹۸۵ در مورد حفاظت از لایه ازن، سند واحد اروپایی ۱۹۸۶ در زمینه سیاست مشترک محیط‌زیست، پروتکل ۱۹۸۷ مونترآل در مورد گازهای گلخانه‌ای، اعلامیه ۱۹۹۲ ریو، کنوانسیون ۱۹۹۴ در مورد امنیت هسته‌ای، پروتکل ۱۹۹۷ کیوتو، مقررات کم‌وبیش مشابهی از حیث عناصر مربوط به میراث مشترک بشریت در محیط‌زیست دارد.

درباره عنصر عدم تخصیص در رابطه با محیط‌زیست به‌عنوان میراث مشترک بشریت، لازم است بدانیم، سه نوع مشترکات جهانی وجود دارد که هریک باعث بروز مرتب چالش‌های مختلفی می‌گردند. اولین نوع آن‌ها شامل منابعی نظیر جنگل‌های بارانی حاره‌ای در برزیل و گله‌های فیل در آفریقا و وحوش در تانزانیا هستند که در محدوده قلمرو مرزی یک کشور یا گروهی از کشورها قرار دارند، اما اثراتی بر محیط‌زیست جهانی دارند، برخی معتقدند بهترین راه جهت حفظ چنین منابعی، خصوصی کردن آن‌هاست. گروهی دیگر عقیده دارند که چنین منابعی به کشورهای صاحب منبع تعلق داشته، آن‌ها هستند که می‌توانند هرگونه که مایل باشند منابع مذکور را اداره کنند. در مقابل، این کشورها درخواست نموده‌اند که جامعه جهانی از طریق اعطای کمک‌های فنی و مالی، در مخارج حفظ و نگهداری از این منابع سهیم باشند.

نوع دوم از مشترکات جهانی، مشترکات غیراختصاصی نظیر منطقه قطب جنوب و یا اعماق دریاست. نوع سوم از مشترکات جهانی، مشترکات واقعی هستند، یعنی منابعی نظیر جو، آب و هوای جهانی که مرز ندارند و در هیچ‌یک از کشورها به‌طور اختصاصی قرار ندارند و امکان تخصیص آن‌ها به‌عنوان حقوق مالی برای هیچ کشوری وجود ندارد.

یکی از ویژگی‌های موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی، به‌عنوان بخشی از سیاست زیست‌محیطی، حفظ و نگهداری محیط‌زیست برای نسل‌های آینده است. این ضوابط، منعکس‌کننده عقیده‌ای است مبنی بر اینکه ما ناظران و متولیان این جهان هستیم و نتیجتاً تعهدی بر دوش ما است که جهان را محلی قابل سکونت برای فرزندان خود قرار دهیم. (جمالی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰) در حوزه حیات‌وحش، کنوانسیون ۱۹۷۹ بن در مورد حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی، اعلام می‌دارد و کنفرانسی ۱۹۷۹ برن راجع به حمایت از حیات‌وحش و طبیعت اروپا که ضمن مقدمه بیان می‌دارد: «حیات‌وحش و طبیعت، میراث طبیعی، علمی، فرهنگی، تفریحی، اقتصادی و دارای ارزش ذاتی است که ضرورت دارد حفظ‌شده و به نسل‌های آینده منتقل گردد». همچنین در زمینه میراث فرهنگی زیرآب در کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب، میراث فرهنگی زیر آب مطابق بند ۱ مقدمه کنوانسیون مذکور میراث مشترک بشریت دانسته شده است.

۴. میراث مشترک بشریت در ارتباط با ژنوم انسانی

ژنوم انسان، شامل اطلاعات ژنتیکی است و هرآن چه که مربوط به ژن می‌باشد. ژنوم انسانی به‌عنوان منبع اطاعات و مکان ژن به‌عنوان میراث مشترک بشریت شناخته شده است. اهمیت ژنوم به این دلیل است که ژنوم، کل محتوای DNA یک موجود است که ژن‌هایش را که اطلاعات لازم برای ساخت همه پروتئین‌های ضروری موجودات را حمل می‌کند، نیز در برمی‌گیرد. هدف از تحقیق یا فعالیت‌های مربوط به ژنوم انسان، بهبود زندگی انسان است و این نفع بشریت را به دنبال دارد. ژنوم انسان، به گذشته و حال و آینده بشریت مربوط می‌شود و کاربرد نتایج حاصله از تحقیقات ژنتیکی، بر آینده بشریت تأثیر دارد و سرنوشت بشریت را تعیین می‌کند. در نتیجه ژنوم انسان، نمی‌تواند در تملک و تخصیص کشور یا شخص یا هر موجود دیگری درآید. (اسکندر پور و آقاپور، ۱۳۹۳، ص ۶۲۷)

ژنوم انسانی تفاوت‌هایی با سایر میراث مشترک مثل اعماق دریا یا فضای ماورای جو دارد؛

از جمله اینکه، این‌ها قابل تملک نیستند و به‌طور مشترک نگهداری می‌شوند. (اسکندر پور، ۱۳۹۳، ص ۶۲۷) در مورد ژنوم انسان نمی‌توان ادعای مالکیت کرد چنان‌که اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر در ماده ۱ خود ژنوم انسانی را مصداق میراث مشترک بشریت دانسته و در ماده ۲ اعلام می‌دارد هر فردی بدون توجه به ویژگی‌های ژنتیک خود از احترام به منزلت و حقوق خود برخوردار است. همچنین، اعلامیه در ماده ۱۲ تصریح می‌نماید که منافع حاصل‌شده از پیشرفت علم وراثت و پزشکی در موضوع، ژنوم انسانی، با اختراع به کرامت و حقوق انسانی تمام افراد در دسترس همگان قرار خواهد گرفت.

۵. میراث مشترک بشریت در رابطه با تنوع فرهنگی

تنوع فرهنگی عبارت است از گونه‌گونی جوامع یا فرهنگ‌های انسانی در منطقه معین یا جهان. به تعبیری دقیق‌تر، تنوع فرهنگی عبارت است از اختلافات فرهنگی از قبیل زبان، لباس، سنت‌ها، روش جوامع در سازمان‌دهی خود، درک آن‌ها از اخلاق و مذهب و روش مواجهه آن‌ها با محیط‌زیست. (جمالی، ۱۳۸۷، ص ۱۲) بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون ۲۰۰۵ یونسکو درباره حفظ و ترویج تنوع مظاهر فرهنگی، تنوع فرهنگی را تکررگرایی و آثار متقابل بیان‌های فرهنگی که در جهان با یکدیگر همزیستی دارند و بدین‌وسیله میراث مشترک بشریت را پرمایه می‌سازد، تعریف می‌کند. فرهنگ‌ها در هر زمان و مکان جغرافیایی خاص، اشکال مختلفی به هم می‌گیرند. این نوع تنوع‌های فرهنگی در قالب هویت‌های گروهی و جمعی جلوه‌گر می‌شود. تنوع فرهنگی به‌عنوان منبع غنی تبادل فرهنگ، خلاقیت و نوآوری، برای بشریت به‌اندازه تنوع ریستی برای محیط‌زیست، مهم است؛ به همین دلیل، ماده ۶ اعلامیه تنوع فرهنگی یونسکو اعلام می‌دارد که «تنوع فرهنگی، میراث مشترک بشریت است و باید به رسمیت شناخته شده و برای نسل امروز و فردا از آن محافظت شود». (جمالی، ۱۳۸۷، ص ۱۳)

در اسناد متعددی، تنوع فرهنگی نیز به‌عنوان میراث مشترک بشریت شناخته شده است به‌عنوان مثال در بند ۱۳ مقدمه قطعنامه ۱۵۶/۵۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۵ فوریه ۲۰۰۲؛ بخش ب(۸)(۵۲) بیانیه اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی مورخ ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳؛ اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی مصوب ۲۰۰۱ یونسکو، کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع مظاهر فرهنگی مصوب سال ۲۰۰۵ از سوی یونسکو و میز بند ۱ مقدمه و بیانیه و برنامه عمل تهران در خصوص حقوق بشر و تنوع فرهنگی، مصوب نشست وزرای خارجه جنبش عدم

تعهد ۲۰۰۷ تهران.

ماده ۱ اعلامیه جهانی یونسکو در مورد تنوع فرهنگی مصوب ۲ نوامبر ۲۰۰۱ بر تنوع فرهنگی به‌عنوان میراث مشترک بشریت تصریح می‌کند: «تنوع فرهنگی برای انسان، به‌مثابه تنوع زیستی در نظم زندگی، ضروری است. از این لحاظ، تنوع فرهنگی، میراث مشترک بشریت است و باید به نفع نسل‌های حاضر و آینده مورد شناسایی، تأکید و تصدیق قرار گیرد». قطعنامه ۵۶/۱۵۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۵ فوریه ۲۰۰۲ نیز اعلام می‌دارد: «تنوع فرهنگی و تلاش مردمان و ملت‌ها برای تضمین توسعه فرهنگی خود، منبع ثروتی مشترک برای زندگی فرهنگی بشریت است».

بند هشتم از بخش ب بیانیه اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی مورخ ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳، تحت عنوان «تنوع فرهنگی و هویت، تنوع زبانی و محتوای محلی» اشعار می‌دارد: «تنوع فرهنگی میراث مشترک بشریت است».

کنوانسیون حفظ و ارتقای تنوع فرهنگی یونسکو مصوب ۲۰ اکتبر ۲۰۰۵ در پاراگراف اول مقدمه تأکید می‌کند که «تنوع فرهنگی خصیصه معین انسانی است» و پاراگراف دوم مقدمه اذعان دارد که «تنوع فرهنگی میراث مشترک بشری است و باید محترم شمرده‌شده و برای همه حفظ شود».

بند اول سند نهایی نشست وزرای عدم تعهد در خصوص حقوق بشر و تنوع فرهنگی مصوب ۴ سپتامبر ۲۰۰۷ (تهران) نیز در مقدمه خود عزم خود را برای «ارتقاء و حمایت از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از جمله حق برخورداری از هویت فرهنگی که از خصوصیات توصیفی بشریت بوده و میراث مشترک بشری را نیز تشکیل می‌دهد» تجدید می‌نماید و اذعان می‌کند که «تمامی فرهنگ‌ها دارای مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک می‌باشند و در غنای تنوع و گوناگونی و در تأثیرگذاری متقابل آن‌ها بر یکدیگر، تمامی آن‌ها بخشی از میراث مشترک متعلق به بشریت را شکل می‌دهند».

بر این اساس تنوع فرهنگی به‌عنوان میراث مشترک بشریت، امری است که به نفع جامعه بشری و کل بشریت در آن لحاظ شده و متعلق به جامعه بشری است، هیچ‌کس صاحب آن نیست و هیچ قدرتی منحصراً حق حاکمیت بر آن را ندارد، منافع آن متعلق به همه بشریت اعم از نسل‌های حاضر و آینده است.

پذیرش تنوع فرهنگی، به نفع بشریت است. این نفع شاید آن‌گونه که در منابع زیر بستر دریا

و اقیانوس است مادی و مستقیماً اقتصادی نباشد. مقصود از تنوع فرهنگی، تنوع طبیعی و عقلانی است که همانند تنوع زیستی برای طبیعت، مبتنی بر واقعیت ناشی از ویژگی‌ها تنوع‌های تاریخی، مذهبی، سنتی ملی و منطقه‌ای است، یعنی کثرت‌گرایی فرهنگی و نه یک نسبیّت و تنوع فرهنگی شدید و مطلق که امکان وجود کمترین عامل مشترک و جهانی در فرهنگ بشری را نفی می‌کند که حاصل چنین تنوعی چیزی جز خشونت‌ها و تنفرهای قومی، سیاسی و مذهبی نمی‌تواند باشد. تجمع ملل مختلف با فرهنگ‌های متفاوت در قالب جهانی شدن، اگر به‌درستی اداره نشود، بیم‌دنیایی را می‌دهد که در آن بازگشت به خاص‌گرایی فرهنگی، بنیادگرایی و هویت‌های فردی امری گریزناپذیر خواهد بود. دنیایی که در آن انزوای طلبی، قومیت‌گرایی، تروریسم و نابردباری مذهبی متداول می‌شود. در یک کلام دنیایی می‌شود که عاری از صلح و امنیت است. گوشه‌ای از چنین دنیایی را در جریان فروپاشی یوگسلاوی سابق، در خلال بحران نسل‌کشی در رواندا و در حادثه‌ای تأسّف‌بار ۱۱ سپتامبر شاهد بودیم. (بیگ زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴)

تنوع فرهنگی یک ضرورت برای حیات جامعه بین‌المللی است و آنچه از آن به‌عنوان نفع بشریت در مقوله تنوع فرهنگی یاد می‌کنیم، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و توسعه پایدار و تضمین و احترام حقوق بشر و کرامت و ارزش انسانی و حقوق مشترک جهانی است. بشریت نیز شامل نسل‌های گذشته، حال و آینده است و فرهنگ مجموعه علائم شاخص مادی و معنوی و عقلانی و احساسی است که علاوه بر هنر و ادبیات شامل شیوه‌های زیست، اشکال زندگی جمعی، نظام‌های ارزشی، آداب، رسوم و اعتقادات و باورهاست؛ که از پیشینیان به ما ارث رسیده است و امروزه ما وارث تجربیاتی هستیم که نسل‌های قبل از ما و همه جوامع به نحوی در آن سهیم بوده‌اند.

برای مثال در زمینه دانش فنی، بند دوم مقدمه پیش‌نویس کد رفتاری بین‌المللی راجع به انتقال فناوری مورخ ۶ مه ۱۹۸۰ میلادی، فناوری یا دانش فنی را میراث بشریت دانسته است و اعلام می‌دارد که با اعتقاد به اینکه فناوری کلید پیشرفت بشریت است و همه مردم حق دارند از پیشرفت و توسعه علم و فناوری به‌منظور ارتقای استانداردهای زندگی خود بهره‌مند گردند.

از دیگر اصول و عناصر میراث مشترک بشریت که در اسناد بین‌المللی مربوطه و دکترین ذکر شده این است که این نواحی و منابع آن با ادعای حاکمیت، تصرف، استفاده و ... قابل تخصیص و تملک به دولت‌ها نیست؛ اما در خصوص تنوع فرهنگی ابهاماتی وجود دارد اول

اینکه تنوع فرهنگی منبع است یا مکان. مسلماً تنوع فرهنگی به‌عنوان مجموعه علائم شاخص معنوی، مادی، عقلانی و فکری قلمرو جغرافیایی یا مکانی همانند دریا و فضا و محیط‌زیست و... نیست؛ اما اگر تنوع فرهنگی منبع است آیا همانند منابع موجود در ماه و اعماق دریا، منبع ثروت است یا همانند ژنوم انسانی منبع اطلاعات. قطعنامه ۱۵۶ / ۵۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد از تنوع فرهنگی به‌عنوان «منبع ثروتی مشترک برای زندگی فرهنگی بشریت» یاد کرده است؛ اما به نظر می‌رسد باید آن را به‌عنوان منبع اطلاعاتی و پایه اساسی جامعه اطلاعاتی در نظر گرفت. همان‌طور که پاراگراف ۵۲ بیانیه اصول اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی تصریح می‌کند: «جامعه اطلاعاتی باید با محترم داشتن و استوار شدن بر هویت فرهنگی، تنوع زبانی و فرهنگی، سنت‌ها و مذاهب، بنا شود و گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را ترویج دهد. ترویج، تصریح و حفظ زبان‌ها و هویت‌های متنوع فرهنگی همان‌گونه که در اسناد مورد توافق ملل متحد، از جمله اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی یونسکو، بازتاب یافته است، جامعه اطلاعاتی را غنی‌تر خواهد کرد».

صرف‌نظر از اینکه فرهنگ به لحاظ ویژگی ذاتی همانند فضا قابل تملک و تخصیص نیست اما فرهنگ‌های مختلف و متنوع به هر جامعه تعلق داشته و اصل عدم تخصیص در این مورد قابل اعمال نمی‌باشد.

یکی از جنجالی‌ترین مسائل در مورد میراث مشترک بشریت، حاکمیت دولت‌هاست و این مفهوم، حاکمیت دولت‌ها را به چالش می‌کشد و در اسناد بین‌المللی ادعای حاکمیت بر مثلاً اعماق دریا، فضا و بر جنوبگان پذیرفتنی نیست، اما در خصوص تنوع فرهنگی، علاوه بر آنکه هر دولتی باید نگهبان و حافظ فرهنگ و هویت ملی خود باشد، ماده ۲ تحت عنوان اصل حاکمیت، بر اصل حاکمیت دولت‌ها بر اساس منشور سازمان ملل و اصول حقوق بین‌الملل برای سیاست‌گذاری‌ها در قلمرو ارضی‌شان تأکید شده است؛ همچنین ماده ۶ کنوانسیون تنوع فرهنگی از «حقوق» دولت‌های متعاقد در سطح ملی و قلمرو ارضی صحبت می‌کند. (جمالی، ۱۳۸۷، ص ۳۱-۳۳)

مدیریت بین‌المللی در رابطه با تنوع فرهنگی به‌عنوان میراث مشترک بشریت نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تحت رژیم میراث مشترک بشریت، از همه افراد انتظار می‌رود که در مدیریت ناحیه یا منبع بین‌المللی سهیم و شریک باشند. حکومت‌های ملی دولت‌ها در این فرآیند حقوقی نقشی ندارند و یا به‌عنوان نماینده بشریت عمل می‌کنند و منافع ملی در مدیریت محو می‌شود و در عوض منافع عمومی جهانی، در اولویت قرار می‌گیرند. مدیریت بین‌المللی

مشرکات جهانی الگوی اولیه مفهوم میراث بشریت بوده است.

در خصوص تنوع فرهنگی به عنوان بخشی از میراث مشترک بشریت، الگوی مدیریتی ویژه‌ای ترسیم شده است. در وهله اول دولت‌ها صلاحیت اولیه و اصلی در اداره تنوع فرهنگی و تدوین سیاست‌ها و خط‌مشی مربوط به حفظ ارتقاء تنوع بیان‌های فرهنگی را در قلمرو ملی دارند. در وهله بعد دولت‌ها بر اساس اصول همبستگی و همکاری بین‌المللی، تعهداتی را به طور متقابل می‌پذیرند از جمله، مشارکت در اطلاعات، شفافیت اقدامات (ماده ۹)، آموزش مخاطبان و آگاهی آنان در این خصوص (ماده ۱۰)، همکاری بین‌المللی برای مقابله با خطرات و تهدیدات تنوع فرهنگی (ماده ۱۸).

علاوه بر این بخش ششم کنوانسیون به ارکان کنوانسیون (کنفرانس اعضاء کمیته بین‌الدولی و دبیرخانه) اشاره می‌کند و کمیته بین‌الدولی به عنوان رکن اجرایی کنوانسیون تعیین و وظایف آن تشریح می‌شود. یونسکو، شبکه بین‌المللی برای سیاست فرهنگی، جامعه مدنی، سازمان‌های خصوصی و... نیز در این راه سهمی دارند. علاوه بر این مقرراتی برای حل و فصل اختلافات وضع شده است. نیازی به تکرار این مطلب نیست که سازوکار مدیریتی پیش‌بینی شده، با توجه به اتکایی که به نقش دولت‌ها شده است، ناکافی و ضعیف می‌باشد. در واقع در اینجا نیز از این ایده تبعیت شده است که دولت‌ها به عنوان متولیان و ناظران از طرف بشریت عمل خواهند نمود. (جمالی، ۱۳۸۷، ص ۳۳-۳۵)

عنصر تقسیم منافع و مسئولیت‌ها در مفهوم میراث مشترک بشریت در مورد تنوع فرهنگی کاملاً آشفته و نامعین و مبهم است.

مهم‌ترین پیش‌بینی در این خصوص در ماده ۱۸ کنوانسیون تنوع فرهنگی، تأسیس صندوق بین‌المللی برای تنوع فرهنگی (IFCD) است که بر اساس منابع مالی مشخص که از طرف دولت‌های عضو و یونسکو و سایر سازمان‌ها و ترتیباتی که خود صندوق اتخاذ می‌کند و تحت نظارت کمیته بین‌الدولی اداره می‌شود.

تقسیم منافع شاید در مفهوم دقیق، تنها در مورد منافع حاصله از منابع و معاون واقع در مناطق و نواحی بین‌المللی فراتر از مرزهای ملی صادق باشد. پیش‌تر اشاره شد که منافع مادی مستقیم ناشی از تنوع فرهنگی در پرده‌ای از ابهام و شاید غیرقابل تصور باشد؛ بنابراین نمی‌توان مدعی شد که وجوه پرداختی توسط دولت‌های عضو، درصد معینی از منافع مادی حاصله از تنوع فرهنگی به عنوان منبع ثروت است. علاوه بر اینکه کمیته بین‌الدولی یا صندوق بین‌المللی

تنوع فرهنگی هیچ‌گاه همانند مقام بین‌المللی بستر دریا و کارگزار آن در استخراج منابع نقشی ندارد؛ بنابراین مطابق بندهای ۷، ۴ و ۸ ماده ۲ کنوانسیون به نظر می‌رسد این ارکان تنها در تقسیم مسئولیت حمایت و ارتقاء تنوع بیان‌های فرهنگی ایفای نقش می‌کنند. در این راه باید اصول «دسترسی منصفانه»، «گشودگی و توازن» و «ملاحظات خاص کشورهای در حال توسعه» مدنظر قرار گیرد. (جمالی، ۱۳۸۷، ص ۳۵-۳۶)

نتیجه‌گیری

مفهوم «میراث مشترک بشریت» بی‌تردید یکی از مهم‌ترین و درعین حال بحث‌برانگیزترین مفاهیمی است که حقوق بین‌الملل در نیم‌قرن اخیر به خود دیده است. این مفهوم با عبور از نظام سنتی دولت‌محور و مبتنی بر حاکمیت، بستری نظری برای ساماندهی عرصه‌هایی فراهم آورده است که خارج از صلاحیت ملی قرار دارند و باین حال سرنوشت آن‌ها به سرنوشت کل بشریت گره خورده است. پژوهش حاضر نشان داد که مفهوم میراث مشترک بشریت علی‌رغم دو دهه کاربست در اسناد بین‌المللی، همچنان با ابهامات مفهومی و چالش‌های اجرایی متعددی مواجه است. بازسازی معنایی این مفهوم در اسناد بین‌المللی مؤلفه‌های چهارگانه «ممنوعیت تصاحب ملی و خصوصی»، «بهره‌برداری منحصراً برای مقاصد صلح‌آمیز»، «مدیریت جمعی و اشتراک منافع» و «حفظ برای نسل‌های آینده» را به‌عنوان هسته مرکزی و ثابت این مفهوم شناسایی کرد. باین حال، هر یک از این مؤلفه‌ها در عمل با موانع جدی مواجه بوده‌اند: ابهام در شخصیت حقوقی «بشریت» و فقدان سازوکارهای الزام‌آور برای تقسیم منافع، از مهم‌ترین این موانع محسوب می‌شوند. تحلیل تطبیقی کاربست این مفهوم در سه عرصه حقوق دریاها، فضای بیرونی و قطب جنوب نشان داد که اگرچه کنوانسیون حقوق دریاها متمرکزترین و نهادینه‌شده‌ترین کاربست این مفهوم را ارائه داده است، اما حتی در اینجا نیز با مقاومت قدرت‌های بزرگ و موانع اجرایی متعددی مواجه است. موافقت‌نامه ماه با وجود صراحت در به کارگیری این مفهوم، به دلیل عدم الحاق قدرت‌های فضایی عمده‌تاً جنبه نمادین یافته است. نظام حقوقی قطب جنوب نیز با وجود شباهت‌های فراوان، از به کارگیری صریح این مفهوم خودداری کرده و مدل متفاوتی را دنبال کرده است. تحولات اخیر در مذاکرات BBNJ و چالش‌های ایجادشده از سوی ایالات متحده در نشست ISA ۲۰۲۵، نشان‌دهنده آن است

که مفهوم میراث مشترک بشریت هنوز در میدان منازعات ژئوپلیتیکی و اقتصادی جایگاهی محوری و درعین حال آسیب‌پذیر دارد. با این حال، همین منازعات نیز نشان می‌دهند که این مفهوم به عنوان یک گفتمان هنجاری، قدرت ایجاد اجماع میان کشورهای در حال توسعه را داشته است.

با نگاهی به آینده، می‌توان گفت با توجه به اهمیت روزافزون منابع فرامرزی و نیاز مبرم به حکمرانی جهانی بر مشاعات، مفهوم میراث مشترک بشریت نه تنها از اهمیت نظری خود نخواهد کاست، بلکه احتمالاً در دهه‌های آینده بیش از پیش در کانون توجهات حقوقی و سیاسی قرار خواهد گرفت. پرسش اصلی، نه «آیا» که «چگونه» تحقق این مفهوم است و پاسخ به این پرسش مستلزم همکاری تنگاتنگ حقوق‌دانان، سیاستمداران، دانشمندان و نمایندگان جوامع مدنی از سراسر جهان است.

منابع

۱. اسکندرپور، سهیلا و آقاپور، کمال (۱۳۹۳)، «ژنوم انسانی و میراث بشریت»، همایش ملی ایران و چالش‌های حقوقی بین‌المللی.
۲. آکهرست، مایکل (۱۳۷۲)، کلیات نوین حقوق بین‌الملل (ج ۱)، ترجمه مه‌راب داراب‌پور. تهران: انتشارات جهان معاصر.
۳. بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۸۴)، «تأملی بر تنوع فرهنگی و مذهبی در حقوق بین‌الملل». سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و حقوق تطبیقی.
۴. جمالی، حمیدرضا (۱۳۸۷)، «تنوع فرهنگی: میراث مشترک بشریت»، فصلنامه تحقیقات میان فرهنگی، سال سوم، دوره ۳، شماره ۷.
۵. _____ (۱۳۸۹)، «میراث مشترک بشریت، مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین‌الملل»، دانشنامه حقوق و سیاست، دوره ۶، شماره ۱۴، ص ۵۵-۸۹.
۶. _____ (۱۳۹۰) میراث مشترک بشریت، مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین‌الملل، تهران: نشر فرهنگ شناسی.
۷. چرچیل، رابین و لو، آلن (۱۳۹۳)، حقوق بین‌الملل دریاها (ترجمه بهمن آقایی). تهران: انتشارات گنج دانش.
۸. حبیب زاده، توکل و منصوری، فرنگیس (۱۳۹۲)، «بازخوانی اصل میراث مشترک بشریت و تفاوت‌های آن با مفهوم نگرانی مشترک بشریت». پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۲ (پیاپی ۳۸). ص ۹۱-۱۲۰. <https://doi.org/10.30497/law.2014.1564>
۹. عباسی، بیژن و رستمی، مرتضی (۱۳۹۴)، «ابعاد حقوقی میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۷، شماره ۲. ص ۲۷-۵۹. <https://doi.org/10.22099/jls.2015.3212>
۱۰. میرعباسی، باقر (۱۳۷۶)، حقوق بین‌الملل عمومی (ج ۱). تهران: دادگستر.

منابع لاتین

1. Abegón-Novella, M. (2024). Making sense of the agreement on biodiversity beyond national jurisdiction: the road ahead. *Environmental Policy and Law*, 53(5-6), 439-458.
2. Bodansky, D. (2024). Four treaties in one: The biodiversity beyond national jurisdiction agreement. *American Journal of International Law*, 118(2), 299-323.

3. Baslar, K. (1998). *The concept of the common heritage of mankind in international law* (Vol. 30). Martinus Nijhoff Publishers. London.
4. Brownlie, Ian (1981) *The Reality and Efficacy of International Law*, British year book of International Law.
5. Fleischer C. A. (1980) *The International concern for the Environment: The concept of common Heritage in Both M. ed. Thends in Environment al Policy and law*. Switzerland: GlandBaslar, K. (1998). The concept of Common Heritage of Mankind in International law. Martinus Nigheff Publishers.
6. Joyner, C. C. (1986). Legal implications of the concept of the common heritage of mankind. *International & Comparative Law Quarterly*, 35(1), 190-199.
7. Jarvis, R. M. & Young, M. A. (2023). The fraught legacy of the Common Heritage of Humankind principle for equitable ocean policy. *Marine Policy*, 159, 105-120
8. Khatwani, N. (2019). Common Heritage of Mankind for Outer Space. *Astropolitics*, 17(2), 89-103.
9. Larschan, B., & Brennan, B. C. (1982). Common heritage of mankind principle in international law. *Colum. J. Transnat'l L.*, 21, 305.
10. Wang, C., & Chang, Y. C. (2020). A new interpretation of the common heritage of mankind in the context of the international law of the sea. *Ocean & Coastal Management*, 191, 105-191.
11. Wolfrum, R. (1983). The principle of the common heritage of mankind. *ZaöRV*, 43(2), 312-337.
12. UN Doc. / A/CONF.48/14
13. UN Doc. A/37/151/1982
14. UN Doc. A/Res/2749(1970)
15. UN Doc. A/Res/2754(1969)
16. UN Doc. A/Res/44/207(1989)
17. UN Doc. A/Res/45/2/2(1990)
18. UN Doc. A/Res/9559(1974)
19. UN Doc. A/Res/43/53(1988)
20. UNESCO. (1997). *Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights*, 11 November 1997.
21. UNCTAD. (1980). *The International Code of Conduct on the Transfer of Technology*, 6 May 1980.
22. UNESCO. (2001). *Convention on the Protection of the Underwater Cultural Heritage* 2001.
23. WSIS. (2003). *Declaration of Principles - Building the Information Society: A Global Challenge in the New Millennium*. Geneva: WSIS.
24. UNESCO. (2005). *Convention on the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions*. Paris, 20 October 2005.
25. UNESCO. (2001). *UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversity*, 2 November 2001.
26. UNESCO. (2001). *Tehran Declaration and Programme of Action on Human Rights and Cultural Diversity*.
27. UNEP. (1979). *Convention on the Conservation of Migratory Species of Wild Animals*, 23 June 1979.

28. Council of Europe. (1979). *Convention on the Conservation of European Wildlife and Natural Habitats*. Bern, 19 September 1979.
29. UNFCCC. (1992). *United Nations Framework Convention on Climate Change* 1992.

